



توسعه شهرسازی در هیرکانیه در دوره اشکانیان

محمد تقی ایمانپور^۱ و طهمورث مهربانی^{۲*}

پست الکترونیکی: mimanpour@hotmail.com

^۱دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

^{۲*} دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه فردوسی مشهد پست الکترونیکی: t.mehrabi91@gmail.com

۰۹۱۱۲۳۹۲۸۱۹

چکیده

جغرافیا نقش مهمی در تاریخ هر سرزمین دارد و تاریخ هر سرزمین و ناحیه بستگی زیادی به موقعیت و مکان جغرافیایی آن دارد و هیرکانیه یکی از سرزمینهایی است که به دلیل شرایط جغرافیایی و آب و هوای خاص در ایران باستان نقش مهمی در تحولات سیلسی کهن داشته و به عنوان یکی از سرزمینهای کلیدی از جایگاه و اعتبار خاصی برخوردار بود و در منابع از این منطقه با نام های مختلفی نام برده شده است. به دلیل اهمیت استراتژیک این ناحیه اشکانیان توجه زیادی به سرزمین که در گذشته هیرکانیه نامیده می شد داشتند و در گذشته شهرهای زیادی در آن ساختند که از جمله این شهرها می توان به دهستان، سیرنیکس، گرگان و تامبراکس اشاره نمود. در دوره ساسانیان نیز می توان دیوار دفاعی گرگان را که در دوره اشکانیان شروع شده و در دوره ساسانیان تکمیل شد را به آن افزود. هر چند درباره این سرزمین بحث های زیادی شده است اما تاکنون در باره محدوده هیرکانی در ایران پیش از اسلام و شهرهای ساخته شده در آن در زمان اشکانیان تحقیق مستقلی انجام نشده است لذا این پژوهش با درک این مطلب بر آن است تا به محدوده و شهرهای ساخته شده در هیرکانیه در زمان اشکانیان با استفاده از شیوه پژوهش های تاریخی و بر اساس منابع این دوران بپردازد.

واژه های کلیدی: اشکانیان، ایران باستان، جغرافیای هیرکانیه، شهرهای هیرکانیه.



مقدمه

سرزمین ایران به دلیل جغرافیای خاص مناطق خود از دیرباز خواستگاه تمدنهای بزرگ و کهن بوده است به طوری که در ایران باستان ما شاهد سه شاهنشاهی بزرگ هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان بوده ایم این سه شاهنشاهی از جغرافیای مناطق مختلفی تشکیل می شد که یکی از این مناطق جغرافیایی هیرکانیه بود که در طول تاریخ با نام های مختلفی چون خننه، ورکانه، طبرستان، گرگان، استراباد، جرجان آمده است و امروزه نیز با توجه به نام کهن آن این منطقه را با نام گرگان می شناسند. اگر چه محدوده هیرکانیه فقط گرگان امروزی را در بر نمی گرفته بلکه منطقه وسیع تری از گرگان امروزی را شامل می شده است در هر حال در این مقاله تلاش بر این است که ضمن مشخص کردن محدوده جغرافیایی سرزمین هیرکانیه در سه دوره شاهنشاهی هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان و شهرهای ساخته شده در این سرزمین و به ویژگیهای هر یک از این شهرها از نظر طرح کلی آنها در دوران اشکانیان بپردازد.

نام های مختلف هیرکانیه

نام این منطقه برای اولین بار در وندیداد و بندش آمده که در آن به صورت خننه ذکر شده به طوری که در وندیداد آمده است: «از نهمین جاها و شهرهای بهترین را آفریدم، من که اهورامزدا هستم خننه می باشد که نشیمن گاه [از سرزمین یا از شهرهای] وهرکانه [=گرگان] است (دوستخواه، ۱۳۷۰: ۲/ ۶۶۱؛ بهار، ۱۳۶۹: ۱۳۴). داریوش در کتیبه بیستون از این منطقه به نام ورکانه نام می برد (شارپ، ۱۳۸۸: ۵۳). در حالی که در دوره ساسانیان در فهرست ایالتی که در کتیبه زرتشت آمده به صورت هیرکانیه آمده است (بانگ و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۸). عده ای نام خننه به کاررفته در وندیداد را با هیرکانیه یکی دانسته و از آن به صورت خریداس یا خیندروس Chindrus نام برده اند (نیبرگ، ۱۳۸۳: ۳۳۶). بارتلد معتقد است هیرکانیه از واژه ورکانه به معنی سرزمین گرگها گرفته شده است که اسم خاص هند و اروپایی است (بارتلد، ۱۳۷۷: ۱۱۰). دوگوبینو نیز معتقد است که ورکانه شخصی بوده که افتخاری کسب کرده و اسم خود را به هیرکانیه بخشیده که پیش از آن خننتا نامیده می شد از قرار معلوم هیرکانیه منطقه وسیعی را در بر می گرفته است که مرکز آن ورکانه (گرگان) بوده است (دوگوبینو، ۱۳۸۷: ۱۰۴).

ورکانه همچنین در نوشته های کهن مترادف با هیرکانیه Hyrcania؛ به کاربرده شده است در نوشته های یونانیان به صورت هورکانیا (Hyrkania)، به لاتین هیرکانیه (Hyrcania) و در نوشته های مورخان قدیم چون هرودوت (۱۳۸۹: ۱/۴۰۱)، استرابو (۱۳۸۲: ۲۸)، کتزیاس (۱۳۹۰: ۲۱۳)، کسنفون (۱۳۸۵: ۱۴۲)، دیودور (۱۳۸۴: ۱۴۲)، خاراکسی (۱۳۹۰: ۵۷)، آریان، Arrian (1966: books V-VIII: 189) به صورت هیرکانیه آمده است. اما در میان مورخان جدید مانند بروسیوس (۱۳۸۹: ۱۲۱)، بن اسدگرانی (۱۳۳۷: ۴۲۴)، ثعالبی مرغنی (۱۳۷۲: ۸۱)، ورستاندیک (۱۳۸۶: ۲۰)، دریایی (۱۳۸۸: ۳۸)، بن اسفندیار، (بی تا:



۲۴۹)، پورشریعت (۲۰۰۹: ۱۳۶). به صورت گرگان آمده است گرگان (Gurg n) به اوستایی Vhrk na به فارسی باستان Vrk na به یونانی Hyrcania و در فارسی باستان گرگان به معنی سرزمین گرگ‌ها، که به بخشی از دهستان (Dahest n) که سرزمین داهه-ها می‌باشد اطلاق می‌شود (Gnoli, 1980: 39-41; دریایی، ۱۳۸۸: ۶۵).

حتی جغرافی نویسان پس از اسکندر برخلاف هردوت که از دریای کاسپین با نام کاسپین استفاده می‌کند اصطلاح دریای هیرکانیه را بکار می‌برند (توین بی، ۱۳۷۸: ۸۷؛ پیرنیا، ۳/۱۳۸۵: ۱۸۰۳). بعضی از مورخین «ان» را به معنی پسوند مکان گرفته‌اند و احتمال داده می‌شود که واژه گرگان از گرگ گرفته شده باشد که به معنی سرزمین گرگ‌ها می‌باشد و حتی گفته می‌شود هنگامی که آریاها وارد این سرزمین شدند با مردمی مواجه شدند که نشانه‌هایی از گرگ را با خود حمل می‌کردند (Imanpour, 2012: 103). همچنین در منظومه ویس و رامین زمانی که رامین از اقدامات خود برای شاه توضیح می‌دهد می‌گوید:

بفرمانت شدم شاها بگرگان تهی کردم در دشتش زگرگان (گرگانی، ۱۳۷۷: ۳۵۱۹).

همچنین به هیرکانیه مازندران می‌گفتند (ورستاندیگ، ۱۳۸۶: ۹۸)، که به روزگار جغرافی دانان اسلامی طبرستان را چنان می‌خواندند (بارتلد، ۱۳۷۷: ۱۴۲؛ پیگولوسکایا، ۱۳۸۷: ۱۰۸). و به معنای خانه‌ی دیوهای بد (M zanya da va) است، که در اوستا بارها به آنها اشاره شده است. در سنت‌های قدیم پارسی مردم گرگ سران (Gurgs r n) و سگ سران (Sags r n) با منطقه مرتد مازندران همراه شده است (Askoparpola, 1988/64: 2180). در لیست وندیداد از سرزمین آریاها، از اسامی سگ‌دیانا و باکتريا نام برده می‌شود که تا جنوب و جنوب غربی ادامه می‌یابد و هیرکانی‌ها را نیز در بر می‌گیرد که بعدها گرگان نامیده شد و بی ارتباط با نام حیوانات یعنی «گرگ» نیست (Skjøærv, 2007/II: 110).

در منابع عربی به صورت جرجان ذکر شده است (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۱۴۶)، و در تاریخ کینیر صاحب مسطور است که استرآباد بعضی اوقات به جهت شباهت ظاهر ملک و آب‌وهوا حاصل از مازندران محسوب شده است و آن‌را در قدیم الایام هیرکانیه می‌نامیدند (ملکم، ۲/۱۳۸۰: ۵۲۲). به هر حال به نظر می‌رسد واژه هیرکانی یا ورکانه به تدریج جایگاه خود را از دست داده و به گرگان تبدیل شده است. که بر گرفته از همان نام ورکانه یعنی «محل گرگان» باشد بعدها این نام بر جایگاه گروهی از ایرانیان که از آسیای میانه تا کناره‌های شرقی دریای خزر و کناره‌های غربی آن تا به ساحل شرقی دریای سیاه (محل گرجیان) پراکنده بودند و همیشه سدی برای ایران در برابر چادرنشینان آسیای میانه بودند اطلاق شده است (شهبازی، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

محدوده جغرافیایی هیرکانیه در ایران باستان

حدود هیرکانی از شمال به دریای کاسپین (خزر) از جنوب به پارت، از مغرب به ماد و از مشرق به مرو محدود می‌شد این جلگه که کمی از سطح دریا پایین تر است و زیر باران‌های سیل‌آسا که در سال تا ۶۰ اینچ می‌رسد شسته می‌شود هوایی نیمه استوایی دارد ولی بیشه‌های انبوه دامنه‌های آن کنام شیر و ببر برای شکار است (اومستد، ۱۳۹۰: ۲۶). در مشرق هیرکانیه ناحیه کوهستانی



خراسان و رشته جبال کوپت داغ یا سرزمین باستانی پارت وجود داشت که خاک ماد را از آسیای میانه جدا می‌کرد (دیاکونوف، ۱۳۸۸: ۸۲). موقعیت جغرافیایی دروازه‌های هیرکانی را بایستی در حدود ایوان، کیف (متعلق به دماوند) در نظر گرفت که قریب ۷۰ کیلومتر در جنوب شرقی شهر ری کنونی است و راه تهران-مشهد در آنجا وارد پیشکوه‌های البرز می‌شود (مارکوارت، ۱۳۶۸: ۱۴۱). هیرکانیه سرزمینی حاصلخیز و پهناور و صاف است (استرابو، ۱۳۸۲: ۲۹-۲۸). استرابو نیز به نقل از آریستوبولس دریای خزر را دریای هیرکانی نامیده است (Harmatt, 1996/II: 310). خط ساحلی دریای خزر تا شمال البرز منطقه‌ای مرطوب است با میزان بارش سالانه ۱۰۰۰ تا ۱۶۰۰ میلی متر، این منطقه که جغرافی دانان بعد از ایالت باستانی، با همان نام، آن را با عنوان منطقه هیرکانی در نظر می‌گیرند در کوه‌های پرشیبش که در آنجا بسیار باران می‌بارد درختانی با برگ‌های پهن وجود دارد (1996/I: 35), (Dani & Masson). رشته‌کوه جنوبی هیرکانیه جلوی راه بادهای شمالی را می‌گرفت تا باران ابرهای خود را چون سیل بر دامنه بریزند و جلگه‌های باریک کرانه‌ای را در پای کوه بخیسند، که این سرزمین را حاصلخیز ساخته بود (اومستد، ۱۳۹۰: ۶۲).

مردم هیرکانی به کشاورزی و دامداری می‌پرداختند. پدید آمدن حصارهای دفاعی در گرداگرد نقاط مسکون از افزایش ثروت حکایت می‌کند. وجود گوی تپه و تورنگ تپه نزدیک استراباد کنونی و در اراضی هیرکانیه باستانی که در آن زمان کشاورزی و دامداری شغل اصلی آنها را تشکیل می‌داد حکایت از ثروت و فراوانی در این منطقه دارد (دیاکونوف، ۱۳۸۸: ۱۲۱-۱۲۰).

آنطور که از گزارش برخی مورخان بر می‌آید در این منطقه قنات‌هایی برای کشاورزی نیز وجود داشت که احتمالاً نواحی شرقی هیرکانیه را که به دشت‌های پارثو منتهی می‌شد را در بر می‌گرفته است. پولوبیوس از قنات‌های حفاری شده به دست روستاییان هیرکانی در آن منطقه گزارش می‌دهد (بریان، ۱/۱۳۸۷: ۶۵۱). ورستاندیک نیز در نبرد بین آرشاک دوم و آنتیوخوس سوم اشاره به وجود بیابان‌هایی در هیرکانیه اشاره دارد که در آنجا آب کافی برای شرب سپاه وجود نداشته و مردم از قنات‌های سرپوشیده برای آب استفاده می‌کردند (ورستاندیک، ۱۳۸۶: ۵۵).

همچنین این مردم با استفاده از راه‌های ارتباطی با دیگر همسایگان خود در ارتباط بوده‌اند و از طریق این راهها تبادل کالا بین آنها انجام می‌گرفته است. در شمال، راه بسیار قدیم خراسان، اکباتان از طریق رگا (ری)، دربندهای خزر به هیرکانیه می‌پیوست و تا پارت و باکتریا ادامه می‌یافت (بریان، ۱/۱۳۸۷: ۵۶۱). به نظر می‌رسد این جاده شاخه‌ای از جاده شاهی بوده است، زیرا به گفته پیر بریان برای رسیدن به هیرکانیه از ارابه چرخدار استفاده می‌شده است و مسافران فراوان اعم از نظامی و غیرنظامی با گردونه از آن عبور می‌کردند (بریان، ۱/۱۳۸۷: ۵۶۶-۵۶۵).



شهرسازی در هیرکانیه در دوره اشکانیان

از جمله ایالات مهم که برای اشکانیان دارای اعتبار سیاسی بوده و از اهمیت ویژه برخوردار بود و افزون بر این سد محکمی در برابر بسیاری از متجاوزان به شمار می‌آمد ایالت هیرکانیه بود (مشکور، ۱/۱۳۵۰: ۳۴۷). در دوره اشکانیان هیرکانیه شامل بخش شرقی مازندران امروزی نیز بود و محدوده اراضی آنان ناحیه‌ای بین استرآباد و کراسنودسک، آماردها از آمل تا آمارلوی باستانی (سفید رود) بود (یزدان پناه لموکی، ۱۳۸۷: ۱۰). به روزگار جغرافی دانان اسلامی مرز میان طبرستان و گرگان در فاصله‌ای نه چندان دور از مغرب استرآباد بود (بارتلد، ۱۳۷۷: ۱۴۲؛ پیگولوسکایا، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

هیرکانیه دارای تاریخی کهن است به طوری که استرابو اشاره دارد شاهان پارتی رسم دارند تابستان را در اکباتان و هیرکانیه به علت دوام آوازه‌ی باستانی آن سرزمین بگذرانند (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۴۱). این ایالت ساحلی دریای خزر ثروتمند و دارای غله در آن زمان مرکز توجه و حملات صحراگردان بود (ورستاندیگ، ۱۳۸۶: ۴۶). ولسکی نیز به نقل از یوستینوس می‌گوید هیرکانی بر خلاف پارت بسیار حاصلخیز و پر جمعیت بود (ولسکی، ۱۳۸۳: ۶۳).

دیودور در عبور اسکندر از هیرکانی به دهکده‌هایی موسوم به خوشبخت اشاره می‌کند و می‌گوید این سرزمین به واسطه فراورده‌هایش چون شراب، انجیر خشک و عسل سرآمد آن چه بود که نزد دیگر مردمان یافت می‌شد می‌گویند در آن جا، هر کس که تاک، یک سطل شراب تولید می‌کند و برخی درختان انجیر، ۱۰ مدیمن انجیر خشک حاصل می‌دهند دانه‌ای که هنگام درو برداشت نشده و بر زمین افتاده است بدون آنکه به کاشت نیازی داشته باشد، می‌روید و هنگام برداشت، محصول فراوانی می‌دهد هم چنین نزد این مردم درختی یافت می‌شود که ظاهرش خیلی شبیه درخت بلوط است، اما از برگ‌هایش عسل می‌تراود و برخی این عسل را جمع آوری کرده، استفاده‌های زیادی از آن می‌برند (استرابو، ۱۳۸۲: ۲۸؛ سیسیلی، ۱۳۸۴: ۷۳۷-۷۳۱).

هیرکانی اگرچه از حیث طبیعت با پارت شباهت زیادی دارد ولی از حیث جنگل و ثروت‌های دیگر از پارت خیلی غنی‌تر و آب و هوایش معتدلتر و کلیتاً مطلوب‌تر و کوه‌ها پر از درختان است چراگاه‌های خوب زیاد دارد گلها و ریاحین جلگه‌ها را زینت داده خاک به اعلی درجه حاصلخیز است و میوه‌ها و ثمرات گوناگون بار می‌آورد به خصوص تاک و درخت انجیر که در عهد قدیم معروف و از حیث مساحت تقریباً نصف پارت است و اگر چه این مملکت به واسطه وفور نعمت می‌تواند جمعیت زیادی را قوت دهد ولی دیده نمی‌شود که در عهد قدیم هم عده نفوسش با حاصلخیزی آن مطابقت داشته باشد (پیرنیا، ۱۳۸۵: ۳/۱۸۰۸).

دیودوروس تاریخ نگار اسکندر من باب مثال در مورد هیرکانیا گزارش می‌کند که تعدادی شهر در آنجا ساخته شد (شیپمان، ۱۳۹۰: ۱۰۰). از جمله شهر ساخته شده در این دوره شهر دارا می‌باشد که بنای آن را به تیرداد اول اشکانی نسبت می‌دهند که در کوه زاپارته ن واقع بود رودهای کوچک و جویبارهای زیاد جلگه را آبیاری می‌کرد خاک به درجه‌ای قوت داشت که شخم زدن آن



تقریباً لازم نبود جنگل‌های وسیع و زیاد هوا را خنک و آب و هوا را معتدل می‌داشت با صرف نظر اینکه شکارگاه‌های عالی برای انواع تفریحات و ورزش‌ها آمده بود با (پیرنیا، ۳/۱۳۸۵: ۱۸۲۱).

مورخین بنیان شهر دهستان را نیز به نرسه اشکانی نسبت می‌دهند تورج دریایی معتقد است در هیرکانی شهرستانی که آن را دهستان خوانند نرسه اشکانی ساخت (دریایی، ۱۳۸۸: ۳۸). و شهر سیرنکس نیز که احتمالاً همان شهر زادراکرت باشد (پیرنیا، ۳/۱۳۸۵: ۱۷۱۵)، در هیرکانیه قرار داشت که به نظر می‌رسد بیشتر ساکنان آن باید یونانی باشند و احتمالاً توسط اشکانیان ساخته شده باشد (ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۲۰؛ گوتشمید، ۱۳۸۲: ۶۰). البته شهر سیرنکس را دقیقاً نمی‌توان جایابی کرد باستان شناسان ایرانی در سالهای ۱۹۷۳/۱۹۷۴ در دشت قلعه، در نزدیکی گنبد کاووس، شهری پارسی را با قطر تقریباً ۷ کیلومتر حفاری کرده‌اند که احتمالاً می‌تواند با سیرنکس یکی باشد (شیپمان، ۱۳۹۰: ۸۶).

کاوش‌های انجام شده توسط هیئت‌های باستان شناسی آلمانی با وضوح بیشتری امکان شناخت این شهرهای دایره مانند شمال ایران را فراهم آورده‌اند که تماماً از جمله حصارهایشان با خشت ساخته شده بود (ورستاندیگ، ۱۳۸۶: ۵۶). شهر تامبراکس نیز از شهرهای مهم هیرکانی بوده که احتمالاً همان ساری امروزی می‌باشد شهری که آنتیوخوس سوم در جریان گشت زنی، در ایالت امپراطوری خویش آن را محاصره کرد و در در دوره اشکانیان به دلیلی اینکه شاهان این سلسله به شهرسازی اهمیت زیادی می‌دادند به صورت پایتخت اداری هیرکانی درآمد (ورستاندیگ، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

البته محمد بن اسفندیار نیز بنیان شهر گرگان را به گرگین بن میلاد نسبت می‌دهد و آنرا به شکل دایره توصیف می‌کند به طوری که او می‌گوید «و شهرهایی که بیرون در بند تمیشه است آنچه معتبر است و به طبرستان منصوب و متصل گرگان است گرگین بن میلاد بنیاد افگند و مساحت دایره او چهار فرسنگ بود» (بن اسفندیار، بی‌تا: ۷۴). اگر چه درباره این نقل و قول تردید وجود دارد ولی به نظر می‌رسد شهر گرگان نیز در این دوره بزرگتر و پر جمعیت تر شده باشد. در اخبار چینی نام پایتخت پارتها هو= تو آمده که گویا تصحیف کلمه کارتا باشد که این شهر نیز در ناحیه هیرکانیه بوده است و ظاهراً این شهر را می‌توان با زادراکرتا که در هیرکانی واقع بوده تطبیق کرد (مشکور، ۱/۱۳۵۰: ۳۶۱-۳۶۰). مهرداد اول اشکانی نیز برای دفع حملات اقوام مهاجم به ساخت دیوار دفاعی در شمال رود هیرکانی که از دریای هیرکانی تا مسافت بیش از ۱۷۰ کیلومتر بسوی شرق امتداد داشت پرداخت (برسیوس، ۱۳۸۹: ۱۲۱). به طور کلی شهرهایی که در دوره اشکانیان ساخته شده در جدول شماره ۱ همراه با مرجع و نام امروزی آن آورده شده است.



جدول ۱. شهرهای ساخته شده در دوره اشکانیان در هیرکانیه همراه با مرجع و نام امروزی آن

نام امروزی	مرجع	نام شهرهای ساخته شده در دوره اشکانیان در هیرکانیه
ساری	ورستاندیک (۱۳۸۶: ۱۱۹).	تامبراکس
-	دریایی (۱۳۸۸: ۳۸).	دهستان
در دشت قلعه در نزدیکی گنبد کاوس	شپیمان (۱۳۹۰: ۸۶)	سیرنکس
-	پیرنیا (۱/۱۳۸۵: ۱۸۲۱).	دارا در کوه زاپارته نن
گرگان	بن اسفندیار (بی تا: ۷۴).	گرگان
دیوار دفاعی گرگان	برسیوس (۱۳۸۹: ۱۲۱).	دیوار دفاعی گرگان

نتیجه‌گیری

این سرزمین ساحلی دارای آب و هوای معتدل، حاصلخیز، ثروتمند دارای چراگاههای خوب بود. زمانی که آریایی‌ها وارد ایران شدند با مردمانی در این منطقه برخورد کردند که لباس گرگ داشتند و هیرکانیه که بیشتر در میان مورخان یونانی کاربرد داشته از ورک به معنی گرگ گرفته شده و به تدریج به گرگان تبدیل شده است که در آن زمان به نظر می‌رسد گرگان مرکز هیرکانیه بوده است. هیرکانی از گرگان امروزی بزرگتر بوده و مناطق وسیعتری را شامل می‌شده از جمله شامل بخشی شرقی مازندران بوده، به طوری که از پارت شروع می‌شده و به ماد اتروپاتن (آذربایجان) از یک طرف و از طرف دیگر به عمارلوی امروزی در استان گیلان شهرستان رودبار (سفید رود) وصل می‌شده است. اشکانیان که به شهرسازی اهمیت زیادی می‌دادند در هیرکانیه شهرهای زیادی ساختند شهرهای گرگان، دارا، دهستان، سیرنیکس که احتمالاً باید همان زاداکرات باشد و تامبراکس که همان ساری است در زمان سلسله اشکانیان در منطقه هیرکانی ساخته شد که به نظر می‌رسد به طور کامل از جمله دیوارشان با خشت ساخته شده و بیشتر به شکل دایره‌ای مانند می‌بودند که احتمالاً شرایط آن زمان چنین اقتضاء می‌کرده تا شاهان اشکانی شهرهای ساخته شده در هیرکانیه را به این شکل درآورند تا این شهرها مانعی برای جلوگیری از هجوم اقوام بیگانه باشند (ورستاندیک، ۱۳۸۶: ۵۶).

تشکر و قدردانی

مولفین مقاله از اساتید بزرگوار جناب آقایان سیروس نصرالله زاده و تورج دریایی کمال تشکر را دارند.

مراجع

۱. استرابو، (۱۳۸۲). جغرافیای استرابو (سرزمینهای زیر فرمان هخامنشیان). ترجمه: همایون صنعتی زاده. چاپ اول. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۲. اسعد گرگانی، فخرالدین. (۱۳۷۷). ویس و رامین. ترجمه: محمدجعفر محبوب. تهران: بنگاه نشر اندیشه.
۳. اومستد، البرت. (۱۳۹۰). تاریخ شاهنشاهی هخامنشی. ترجمه: محمد مقدم. چاپ هشتم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴. بارتلد، ویلهلم. (۱۳۷۷). جغرافیای تاریخی ایران. ترجمه: همایون صنعتی زاده. تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۵. برسیوس، ماریا. (۱۳۸۹). ایرانیان باستان. ترجمه: مانی صالحی علامه. چاپ اول. تهران: نشر ثالث.
۶. بریان، پی یر. (۱۳۸۷). امپراتوری هخامنشی. جلد اول. ترجمه: ناهید فروغان. چاپ سوم. تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.



۷. پیرنیا، حسن. (۱۳۸۵). تاریخ ایران باستان. جلد دوم و سوم. چاپ سوم. تهران: موسسه انتشارات نگاه.
۸. پیگولوسکایا، ن. (۱۳۸۷). شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان. ترجمه: عنایت الله رضا. چاپ چهارم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. توین بی، آرنولد. (۱۳۷۸). جغرافیای اداری هخامنشیان. ترجمه همایون صنعتی زاده. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۱۰. ثعالی مرغنی، حسین بن محمد. (۱۳۷۲). شاهنامه کهن. ترجمه: سید محمد روحانی. چاپ اول. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۱. حسن بن اسفندیار، بها الدین محمد. (۱۳۲۰). تاریخ طبرستان. ترجمه: عباس اقبال. تهران: بی جا.
۱۲. خاراکی، ایزیدور. (۱۳۹۰). ایستگاه‌های پارتی. ترجمه: فیروز حسن عزیز. چاپ اول. تهران: انتشارات گنجینه هنر.
۱۳. دادگی، فرنبغ. (۱۳۶۹). بندهش ایرانی. ترجمه: مهرداد بهار. چاپ اول. تهران: انتشارات توس.
۱۴. دریایی، تورج. (۱۳۸۸). شهرستانهای ایرانشهر. ترجمه: شهرام جلیلیان. چاپ اول. تهران: انتشارات توس.
۱۵. دوستخواه، جلیل. (۱۳۷۰). اوستا. جلد دوم. چاپ اول. تهران: انتشارات مروارید.
۱۶. دوگوبینو، آرتور ژوزف. (۱۳۸۷). تاریخ ایران دوره باستانی. ترجمه: ابوتراب خواجه‌نوریان. چاپ اول. تهران: نشر ثالث.
۱۷. دیاکونوف، ام. (۱۳۸۸). تاریخ ماد. ترجمه: کریم کشاورز. چاپ نهم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۸. سیسیلی، دیودور. (۱۳۸۴). ایران و شرق باستان در کتابخانه تاریخی. کتاب دوم. ترجمه: حمید بیکس شورکایی-اسماعیل سنگساری. چاپ اول. تهران: انتشارات جامی.
۱۹. شارپ، رلف نارمن. (۱۳۸۸). فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی. چاپ سوم. تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی پازینه.
۲۰. شهبازی، شاپور. (۱۳۸۹). تاریخ ساسانیان. چاپ اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۱. شیپمان، کلاوس. (۱۳۹۰). مبانی تاریخ پارتیان. ترجمه: هوشنگ صادقی. چاپ سوم. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
۲۲. کتزیاس. (۱۳۹۰). پرسیکا (داستان‌های مشرق زمین تاریخ شاهنشاهی پارس). ترجمه: فریدون مجلسی. چاپ اول. تهران: انتشارات تهران.
۲۳. کسنفون. (۱۳۸۵). سیرت کوروش کبیر. ترجمه: وحید مازندرانی. چاپ چهارم. تهران: دنیای کتاب.
۲۴. گوتشمید، آلفرد فن. (۱۳۸۲). تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان. ترجمه: کیکاوس جهانداری. چاپ چهارم. تهران: انتشارات ققنوس.
۲۵. مارکوارت، ژوزف. (۱۳۶۸). وهرود و ارنگ. ترجمه: داود منشی زاده. چاپ اول. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۲۶. مارکوارت، یوزف. (۱۳۷۳). ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی. ترجمه: مریم میر احمدی. چاپ اول. تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۷. مشکور، محمد جواد. (۱۳۵۰). پارتیها یا پهلوانان قدیم. جلد اول. تهران: انتشارات دانشسرای عالی.
۲۸. ملکم، سرجان. (۱۳۸۰). تاریخ کامل ایران. ترجمه: میرزا اسماعیل حیرت. چاپ اول. تهران: نشر افسون.
۲۹. نیبرگ، هنریک ساموئل. (۱۳۸۳). دین‌های ایران باستان. ترجمه: دکتر سیف الدین نجم آبادی. چاپ اول. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۳۰. ورستاندیک، اندره. (۱۳۸۶). تاریخ امپراطوری اشکانیان. ترجمه: محمود بهفروزی. چاپ اول. تهران: انتشارات جامی.
۳۱. ولسکی، یوزف. (۱۳۸۳). شاهنشاهی اشکانی. ترجمه: مرتضی ثاقب فر. چاپ اول. تهران: انتشارات ققنوس.
۳۲. هردوت. (۱۳۸۹). تواریخ هردوت. ترجمه: مرتضی ثاقب فر. چاپ اول. تهران: انتشارات اساطیر.
۳۳. یانگ و دیگران. (۱۳۸۹). ایران باستان. ترجمه: یعقوب آژند. چاپ دوم. تهران: انتشارات مولی.
۳۴. یزدان پناه لموکی، طیار. (۱۳۸۷). تاریخ مازندران باستان. چاپ سوم. تهران: انتشارات نشر چشمه.



35. Arrian, (1966). Anabasis of Alexander. Books V-VIII. With an English Translation by E. Iloff Robson, B.D. Great Britain: Harvard University Press.
36. Askoparpola. (1988). "The Coming of the Aryans to Iran and India and the cultural and Ethnic Identity of the D sas" . Studia Orientalia, volume 64.
37. Gnoli, G, (1980), Zoroaster's Time and Homeland: A study on the Origin of Masdeism and Related Problems, Instituto Universitario Orientalio, Naples.
38. Harmatta , janos. (1996). History of civilizations of central Asia. Volume II: Unesco publishing.
39. Imanpour, Mohammad T., (2012), The Land Of Parsa: The First Persian Homeland (The Persian Empire birthplace history), Lambert Academic Publishing, Germany.
40. Pourshariati , Parvaneh. (2009). Decline and fall of the sasanian empire. New York: I. B. Tauris & Co Ltd.
41. Dani, Masson,A.H,VM.(1996). History of Civilizations of Central Asia. Volume I: Unesco publishing.